



## انتقاد کتاب در راهنمای کتاب

### با یادی از پدر کتابشناسی ایران

اوضاع زمانه بر وفق مراد نیست و باید با عصای صرفه‌جویی، لنگان لنگان به واجبات برسیم و از مستحبات دست بکشیم تا — ان شاءالله — عهد رونق و حاصلخیزی فرا رسد.

اما سومین ویژه‌نامه را به موضوع «نقد» اختصاص دادیم بدین گونه که ویژه‌نامه پیشین، ویژه رو کردن دست متقلبان بود و این یکی تقریر کار ناصواب محققان. نقد کارهایی که در آنها اصول تحقیق و تصحیح، سهواً یا عمدتاً رعایت نشده که طبعاً با نشر انتقاد و نقد آن اثر، صاحب اثر و نیز دیگر رهروان طریقت تحقیق و تصحیح و تألیف، در می‌یابند که با دقت و حوصله و کنکاش بیشتر کار خود را عرضه کنند و بدانند که همواره چشم و گوش بینا و شنوا هست که نظاره‌گر عملکرد علمی آنان باشند. ازین رو بهتر است مصحح، پیش از آن که کسی کار او را به نقد کشد و کم دقتی‌های او را گوشزد کند، در کار خود غور و مداقه دوچندان نماید تا از تیغ نقادان تیزبین دورماند. البته اغلب، کاری به نقد می‌سزد که به قول بیهقی: «... به یکبار خواندن می‌ارزد» پس آن کس که وقت خود را صرف نوشتن نقد کتابی می‌کند، هم به صاحب اثر خدمت می‌کند و هم به جامعه علمی کشور. گاه کارهای ضعیفی هم نقد شده تا فرد مصحح‌نما متنبه شود و کارهایی که در حد و وزن او نیست

زهی سعادت که نخستین ویژه‌نامه گزارش میراث به نکوداشت یاد استاد ذوفنون، نادره دوران، زنده یاد ایرج افشار اختصاص یافت و مورد توجه و استقبال علاقه‌مندان به ایشان و دوستداران فرهنگ اسلامی ایران قرار گرفت.

در دومین ویژه‌نامه، به موضوع تلخ انتحال و کتابسازی که بالای جان فرهنگ کشورمان شده، پرداختیم و گزارشی از وضعیت کتابسازی‌ها و سرقت و انتحال شیفته نمایان به کتاب ارائه شد تا هم درسی باشد برای مبتلایان و هم آموزه‌ای باشد برای پرهیزگاران. مع ذلک سعی شد تا اسمی از کسی برده نشود و آبرویی خدشه بر ندارد و خار قلمی، خاطر مرتکب الانتحالی را نخلد، به این امید که این گام کوچک مؤثر افتد و صاحبان همت، این راه را پی گیرند و ویژه‌نامه‌هایی دیگر نشر دهند تا اندیشه انتحال از سر مرتکبان خارج شود و دیگر کسی نتیجه اندیشه دیگری را به نام خود ثبت نکند و از تلاش دیگران نان به نرخ روز نخورد. بحمدالله و المته این ویژه‌نامه مورد استفاده بسیار واقع شد و تشویق‌ها و تحسین‌هایی در پی داشت. هیچ شماره‌ای از نشریات میراث مکتوب تا این حد باعث رضایت این خادم نشده بود. بدین روی از ما خواسته شد که شماره‌ای دیگر به این موضوع اختصاص دهیم که فعلاً



به دست نگیرد.

به هر صورت، برای هیچ کس نقد خوشایند نیست. همه طالب تشویق و تحسین اند. اما نقد منصفانه، بسان قهوه تلخ است که آن را فوایدی است بسیار، گرچه گاه منتقد، قلم را به طعنه می‌آلاید و بدانچه نباید و نشاید، صاحب اثر را می‌نوازد و موضوع را به مجال تسویه حساب شخصی یا به قول قائل: پوست کندن از فلانی، بدل می‌سازد که این هم کاری ست زشت و ما برآنیم که از آن بپرهیزیم؛ چه این مجال برای نقد اثر است نه صاحب اثر. هر چند باید اذعان و اعتراف نمود که در این وادی ما در نشریات خود به سهو، گاه دچار خط و خطا شده‌ایم و خاطر عاطر عزیزی را رنجانده‌ایم و همچنان در حسرت و انتظار عفو و بخشش رنجیدگانیم.

اکنون که ویژه‌نامه نقد منتشر می‌شود، ایام دومین سالگرد درگذشت مرحوم استاد ایرج افشار در پیش است. یکی از ویژگی‌های این رادمرد کم نظیر فرهنگ ایران، اخلاقیات او بود. ندیدم از او غیبتی و دروغی و تهمت و اسائۀ ادب به ساحتی. هر چند او در مکتوبات و پاره‌ها و نکته‌ها در نشریات گاه به تصریح، خود را از نسبت‌های ناروایی که به او می‌دهند، منزّه می‌دانست، مع ذلک در نقد او آنچه روا نیست و به دلایلی که هنوز نفهمیدم — و به رغم انتشار ماجرای دیدار ایشان با مقام معظم رهبری — در رسانه‌ها باز می‌نویسند.

موضوع سخن بنده در مراسم اولین سالگرد فوت آن عزیز فرهنگ ایران، «اخلاق نقد از دیدگاه ایرج افشار» بود که وی بیشتر در نشریه راهنمای کتاب و بعدها آینده به بررسی کتاب‌های تازه نشر شده می‌پرداخت. آنچه در ذیل می‌آید خلاصه‌ای است از آن مطالب که تقدیم می‌شود.

می‌کنند که بی شک با رواج فرهنگ نقد و نقادی، می‌توان جلوی افراد بی‌مایه و فرصت‌طلب را گرفت، چنانکه می‌توان فرهیختگان را هم متوجه اشکالات فنی و تخصصی کارشان کرد تا همان خطاها را در آثار دیگرشان مرتکب نشوند و خوانندگان خود را گمراه نسازند.

با این رویکرد، مرحوم ایرج افشار به عنوان مدیر مسئول و گاه سردبیر مجله‌های راهنمای کتاب، آینده، فرهنگ ایران زمین و دیگر نشریه‌ها، نقدهایی صریح، حرفه‌ای و دقیق و در عین حال، خالی از حبّ و بغض و غرض‌ورزی منتشر می‌کرد که برخی از آنها به قلم خود ایشان بود. او در راهنمای کتاب بیشتر به حوزه معرفی نسخه‌های خطی، کتابشناسی، ایرانشناسی و مباحث کتابداری و نوشتن شرح احوال و آثار دانشمندان تازه در گذشته، می‌پرداخت به طوریکه جمعاً حدود ۷۰۰ شرح حال نوشته شد و دوستی همت کرد و همه آنها را در کتابی تحت عنوان نادره کاران منتشر کرد.

استاد افشار در هر نقدی، نخست به معرفی اجمالی اثر می‌پرداخت و سپس فواید و محاسن کار مؤلف یا مصحح را بیان می‌نمود. بیشترین موضوعی که مورد توجه ایشان بود، این که آیا این اثر در چارچوب موضوع و ساختار کتاب، تألیف شده یا نه؟ و یا اگر نسخه خطی است، آیا با اقدم و اصحّ نسخ مقابله شده یا نه؟ برای مثال، ایشان ذیل نقد بر کتاب تاریخ ملازاده که درباره مزارات بخاراست و مرحوم گلچین معانی آن را تصحیح کرده بودند، نوشته‌اند: به رغم اینکه همه نسخ خطی این کتاب جدید نویسنده است، اما خوشبختانه تصحیح کتاب با مراجعه به کتب تاریخی، میسر شده و اسامی شهرها و اعلام به صورت درست طبع شده است. (راهنمای کتاب، ش ۳، ص ۳، ص: ۳۴۴)

### اعتذار مرحوم احمد آرام از نقدنویسی

نوشتن نقد کتاب شهامت و جسارت و تخصص می‌خواهد، کسانی که به اصطلاح مأخوذ به حیا هستند و مراعات دوست و آشنا و حرمت اهل علم را می‌کنند، ترجیح می‌دهند برای خود دشمن تراشی نکنند. از جمله این افراد مرحوم احمد آرام بود، وقتی استاد افشار از ایشان درخواست کرد نقدی بر کتابی بنویسند، ایشان در پاسخ نوشتند:

کتاب را خدمتتان پس می‌فرستم. می‌خواهم دیگر از این فضولی‌ها در آثار دیگران نکنم و مثل بسیار کسان دیگر، محبوب‌تر از آن باشم که هستم، با کمال شرمندگی عذر را بپذیرید.

(نامه‌های خاموشان: ص ۱۱۷)

### نقد و ادب انتقاد کتاب از دیدگاه استاد افشار

وقتی اثری یا کتابی تألیف، ترجمه یا نسخه‌ای تصحیح و سپس منتشر می‌شود، از دست پدیدآورنده آن خارج و در اختیار عموم و نیز در معرض داوری خواص قرار می‌گیرد. این جمله معروف عربی را که به صاحب بن عبّاد نسبت می‌دهند، همگان شنیده‌اند که «من صَنَّفَ فَقَدْ اسْتَهْدَفَ» هر کس بنویسد، خود را مورد هدف قرار داده است. پدیدآورنده باید پاسخگوی کار خود باشد. اهمیت و ارزش نقد در فرهنگ اسلامی بسیار تأکید شده است. حکما گفته‌اند: حیات العلم بالنقد و الرد، ماندگاری علم به بحث و بررسی و نقد آراء و اندیشه‌هاست. اگر نقد نباشد رویش علف‌های هرز فرهنگی، دوچندان می‌شود، پخته‌خواری و کتابسازی رونق می‌گیرد و اشخاصی خود را به عنوان مؤلف یا مصحح مطرح



### چاپ نقدی از دوستی علیه دوست نزدیک خود

چاپ نقد کتاب‌های دوستان نزدیک خود در مقام مدیر مجله، مانند نقدی که مرحوم آل احمد بر کار دکتر منوچهر ستوده نوشته بود، از دیگر ویژگی‌های مرحوم افشار بود. استاد ستوده رساله لغات رامند قزوینی را تصحیح و در مجله فرهنگ ایران زمین چاپ کرده بود. مرحوم آل احمد با لحنی طنز آلود، حسابی جناب ستوده عزیز را مشت و مال داده بود و آخر مقاله خود گوشه چشمی هم به استاد افشار داشتند و با دادن نسبتی ناروا به ایشان، افزوده بودند: «جزوه فلان الدوله را چاپ کردند و به جای او، به نان و آبی رسیدند». (همان: ص ۲۱۸)

آقای افشار با حوصله و متانت خاص خود، نقد آل احمد را عیناً چاپ می‌کنند و چند خطی هم درباره وی و شیوه نقد او به این شرح می‌نویسند: زبان و نوشته‌های طنز آلود آقای آل احمد مخصوص خودشان است، اما به سبب فوایدی که کارهای ایشان و از جمله این انتقاد در بر دارد و ضمناً ظریف است، طبعاً تغییری در شیوه نگارش و بیان این یادداشت وارد نشد و بدون هیچ تصرفی تمام مطالب انتقادی و مخصوصاً نیش غولی (غیر مرتبط) ایشان درج شد تا چنان که بذل زحمتی که کرده‌اند، بیخ ریششان نماند و خوانندگان کاملاً روشن شوند و بدانند با این کارها، اگر به آب و نان نمی‌توان رسید، ولی احتمالاً به «در یتیم» (اشاره به کتاب: خاک در یتیم خلیج فارس) می‌توان رسید. (بیان ماجرا در راهنمای کتاب و نامه‌های خاموشان)

### تکریم همزمان ناقد و کار شخص نقد شده

استاد افشار یادداشت عالمانه‌ای بر نقد «بی باکانه» مرحوم هوشنگ اعلم بر کتاب کتابشناسی ایران تألیف شادروان ماهیار نوابی نوشتند و اهمیت و ارزش کار هر دو بزرگوار را به این صورت بیان کردند:

آقای هوشنگ اعلم... از کسانی است که به دقایق علم کتابداری جدید آشناست. مردی است بسیار دقیق و بی پروا در انتقاد و به همین ملاحظه است که کتاب ماهیار نوابی را از سر دلسوزی مورد رسیدگی قرار داده است. دکتر ماهیار نوابی یکی از دانشمندان معدود ما است که به فایده وسیع کتابشناسی، پی برده و سال‌های بسیار دراز است که اسم و نشانی کتب و مقالات را جمع می‌کند و با حوصله و رنج بسیار، کتاب حاضر را فراهم کرده است. طبیعی است در چنین کتابی اغلاط و سهوها روی می‌دهد و من به عنوان یک دوستدار فن کتابشناسی (تواضع استاد) کار آقای ماهیار را با ارزش می‌دانم و انتقادات آقای اعلم را از نظر یک کتابدار متخصص وارد ...

(نامه‌های خاموشان: ۳۷۲؛ راهنمای کتاب، ۱۴ (۱۳۵۰)، ص ۳۵۳-۳۶۲)

### آیا افشار در چاپ نقد بر کتاب دوستان خود محضوراتی داشت؟

مردمداری، ادب و حسن خلق استاد افشار به گونه‌ای زیانزد بود که گاه برخی از دوستان وی تصور می‌کردند که ایشان در چاپ نقدها بر کتب دوستان خود مشکلاتی دارد. مرحوم تقی بینش در مورد نقدهایی که افشار با شهامت و متانت بر چاپ آثار دانشمندان و فضایی هم عصر خود در راهنمای کتاب منتشر می‌کرد، با اظهار شگفتی در نامه‌ای خطاب به استاد می‌نویسد:

جنابعالی در محضور عجیبی هستید، زیرا اهل قلم، نازک دل و حساس هستید و خیلی زود می‌رنجند، مثلاً یکی کتابی تألیف یا تصحیح می‌کند و دیگری بر آن نقدی می‌نویسد و احیاناً نقد را به صورت تاختن و تسویه حساب شخصی و غرض‌ورزی قرار می‌دهد و جنابعالی که با هر دو، دوست و آشنا هستید و برای همه اهل فضل، احترام قائلید، معطل می‌مانید چه کنید...

البته تاکنون دیده یا شنیده نشده که ایشان در این موارد، جایی معطل مانده، رو در بایستی نموده و نقدی را چاپ نکرده‌اند. (ص ۶۷۲ نامه‌های خاموشان و راهنمای کتاب، سال ۱۵ ش ۱۰ ص ۸۶۵)

### توصیف استاد افشار توسط مرحوم آذریزدی

مرحوم آذریزدی نامه مفصلی خطاب به استاد افشار نوشتند که در جلد اول کتاب نامه‌های خاموشان درج شده است، انصافاً انتقاداتی که بر تصحیح یکی از فضایی معاصر ذکر می‌کنند، درخور توجه است، اما احتمالاً چون نامه خصوصی بوده، در تجدید چاپ آن باید اصلاحی صورت گیرد، خود آن مرحوم برای امانت داری، در این گونه موارد، نقطه چین می‌گذاشتند و در باورقی می‌نوشتند: در اصل ناخوانا یا اصلاً آن را چاپ نمی‌کرد. آقای آذریزدی در پایان نامه انتقادآمیز خود، نمی‌تواند احساساتش را نسبت به استاد افشار کتمان کند و چنین می‌نویسد: «آقا شما به وضع عجیباً غریبایی خوب هستید که در عین بی‌نیازی، برای مردم آن همه کار می‌کنید، کارهایی که اگر نبود، کسانی که عشقشان کتاب است، از دسترس نداشتن به بسیاری از مراجع، دچار حرمان می‌شدند و حالا در لحظه لحظه ایام، حضور آثار شما دم دستشان حلال بسیاری از مشکلات است و علاوه بر آن، یک نوع مهربانی در ذاتان نهفته است که کم نظیر است، مثل نامه نوشتن از آن راه دور با همه اشتغالات ذهنی که در این گونه سفرهاست.» (نامه‌های خاموشان، آذریزدی ص ۹۵)

■

### سردبیر

